سیاست‌هایی که می‌تواند قیمت نفت را بالا نگه دارد

ادامه موضع روحانی یعنی افزایش درآمد نفتی!

■ ضیاءالدین عمادی ■

دکتـر روحانی اخیـراً در جمـع ایرانیان مقیم سـوییس گفت: «چنـدی پیش یکـی از مقامات آمریکایـی گفته بود ما می‌خواهیـم نگذاریم ایران حتی یک قطـره نفت صادر کنـد». روحانی ادامه داد: «این مسؤول آمریکایی قاعدتا معنی حرف خود را نمی‌فهمد و نمی‌توانـد آن را تحلیل کند و فقط حرف می‌زند، زیرا اگر ایران نتواند نفت خود را صادر کند، معنایش این اسـت که نفت کل منطقه صادر نمی‌شود!» سپس روحانی با لحن تهدیدآمیزی ادامه داد: «اگر شما توانستید، این کار را بکنید و نتیجه‌اش را ببینید که چه هسـت!» اظهارات روحانی بازتاب گسـترده‌ای در رسـانه‌های داخلی و بویژه خارجی داشـت و حتی قیمت نفت در بازار جهانی را تحت تاثیر قرار داد. اما چرا سخنان روحانی این مقدار مورد توجه قرار گرفت؟

■ بستن تنگه هرمز؛ یک گزینه جدی و ترسناک برای غربی‌ها

از ۹۴ میلیون بشـکه نفت تولیـدی در جهان، ۱۸ میلیون بشـکه آن روزانه از «تنگه هرمز» عبور می‌کند، بنابراین تنگه هرمز یکی از راهبردی‌ترین آبراه‌های دنیاست که تاثیر بسزایی بویژه در تجارت نفت و فرآورده‌های نفتی دارد. کشورهای عربستان، عـراق، ایـران و کویت بـه عنوان ۴ کشـور بزرگ تولیدکننده نفت و همچنین قطر، امارات و بحرین تبـادلات تجاری و نفتی خود را از تنگه هرمز انجام می‌دهند. برخی کارشناسـان جغرافیای سیاسی و کارشناسـان انرژی در سـطح جهان، صحبت‌های اخیر روحانی را اشاره مستقیم به تنگه هرمز تفسیر کرده‌اند. رویترز در این باره نوشت: «روحانی صادرات نفت همسایگان ایران را در صورتی که فروش نفت کشورش متوقف شود، تهدید کرد». همچنین رویترز گفته است اگرچه اظهارات روحانی برای تفسیر باز است اما مقامات ایرانی در گذشته تهدید کرده بودند تنگه هرمز را می‌بندند. همچنین یورونیوز عنوان کرد روحانی گفته است: «فشار آمریکا برای توقف فروش نفت ایران ممکن اسـت روی صادرات منطقه تاثیر بگذارد». بلومبرگ نیز این سخنان روحانی را کاملا مطابق با بستن تنگه هرمز تفسیر کرد و از اهمیت بالای این تنگه به دلیل انجام ۳۰ درصد نقل و انتقال نفت دنیا از این شاهراه مهم دریایی خبر داد». سخن روحانی و پس از آن نامه هوشمندانه سردار سلیمانی برای رسانه‌های غربی، حکم تضمین تهدید روحانی به بسـتن تنگه هرمز در موقعیتی است که اقتصاد نفتی ایران مورد خدشه قرار گیرد و این تهدید را به یک مسـاله جدی تبدیل کرد. پس از خروج آمریکا از برجام و تهدید ترامپ مبنی بر اعمال تحریم‌های جدید سختگیرانه نفتی در روز ۱۳ آبان سال جاری، قیمت نفت خام به یک‌باره نزدیک به ۶ دلار رشـد داشـت و قیمت نفت برنـت از ۷۳ دلار به ۷۹ دلار رسید. این اتفاق که مطلوب غربی‌ها بویژه اروپایی‌ها نیسـت، موجب افزایش فشارها بر ترامپ شد و وی مجـددا از هفته پیش اعلام کـرد آمریکا به برخی کشـورها برای قطع واردات نفـت از ایران مهلت ۶ ماهه ارائه خواهد داد که همین مساله موجب کاهش مجـدد ۳ دلاری قیمت نفت شـد اما دوباره پس از صحبت‌هـای روحانی قیمت نفـت ۲ دلار افزایش یافت. طی سـال‌های اخیر قیمت نفت خام پس از آنکه با سیاسـت‌های آمریکا و عربسـتان سعودی، حدود ۲ سـال مبالغ پایین در بازه ۳۰ تا ۵۰ دلار را تجربه کرد، از اوایل سال ۲۰۱۷ میلادی رو به افزایش گذاشت و در ماه‌های اخیر تا قبل از اظهارات ترامپ مبنی بر تحریم دوباره ایران، حالت تثبیت شده‌ای را به خود گرفته بود به طوری که متوسط قیمت نفت برنت از ابتدای سال ۲۰۱۸ تا ۲ هفته پیش برابر ۶۸ دلار در هر بشکه بود. می‌توان گفت بیشتر کشورهای جهان از جمله آمریکا، اروپا و اعضای اوپک به دلایلی این بازه قیمتی را به عنوان قیمت بهینه برای شرایط اقتصادی کشور خود پذیرفته بودند. افزایش قیمت نفت به مبالغ بالاتـر از این، موجب افزایش قیمت سوخت، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و در نهایت بازگشت دوباره رکود اقتصادی بویژه در کشورهای واردکننده نفت نظیر اروپایی‌ها و کشـورهای شرق آسیا می‌شود. از همین منظر اروپایی‌ها و کشورهای شـرق آسیا نسـبت به افزایش قیمت نفت پس از تحریم نفت ایران نگرانند، بنابراین هرگونه افزایش قیمت نفت در شرایط حاضر موجب سخت‌تر شدن کار آمریکا بـرای تحریم ایران در فضای بین‌المللی می‌شـود. از همین رو لازم است مسؤولان کشور از ابزارهای مختلف دیپلماسی، اقتصادی و ژئوپلیتیک برای این هدف استفاده منطقی ببرند.

■ افزایش قیمت نفت تا ۳۰۰ دلار پس از بستن تنگه

سـخنان کنایه‌دار ۲ هفته قبـل رئیس‌جمهور در کشـور سوییس اگرچه در یک محفل عمومی و یک ضیافت غیرسیاسـی ایراد شد و اگرچه شاید از صلابت و استحکام لازم برای نشان دادن هیمنه عزت جمهوری اسلامی ایران برخوردار نبود و برای همین هم رسانه‌های جهان با احتیاط خاصی سخنان وی را به بستن تنگه هرمز تعبیر کردند اما همین مقدار از سـخنان هم موجب تغییراتی در بازار نفت شده است به طوری که پس از بازتاب سخنان روحانی در رسانه‌های جهان، قیمت نفت تا امروز حدود ۲ دلار افزایش داشته و همان‌طور که گفته شد نامه سردار سلیمانی نیز این تهدید را جدی کرد. چنانکه روزنامه «الـرای» کویت بعد از صحبت‌هـای روحانی و نامه سردار سلیمانی نوشت: در صورت عملی شدن تهدید ایران در بستن تنگه هرمز، قیمت نفت در بازارهای جهانی به ۳۰۰ دلار در هر بشـکه می‌رسـد. طبق قوانین بین‌المللی در حوزه دریاها و آب‌های آزاد، هر کشوری در مناطق ساحلی خود دارای محدوده‌ای از آب‌های سـرزمینی یا دریاهای سرزمینی است. این محدوده بر اسـاس کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها حداکثـر ۱۲ مایل دریایی (هـر مایل دریایی حدود ۱۸۵۲ متر است) از خط مبدأ دریاست، بنابراین ایران تا شعاع ۲۲ کیلومتری تمام سواحل خود در شهرهای مرزی یا جزایر متعلق به ایران در خلیج‌فارس دارای محدوده آب‌های سـرزمینی اسـت. اگرچـه ایران نیز قوانین بین‌المللی در زمینه آب‌های سـرزمینی را پذیرفته اسـت و مطابق «قانـون مناطق دریایی جمهوری اسـلامی ایران در خلیج فـارس و دریای عمان» عبور و مرور کشتی‌های تجاری و غیرجنگی که ناقض نظم و امنیت ملی ایران نباشند که به «عبور بی‌ضرر» تعبیر شده است، از این منطقه بلامانع است اما شاید منظور آقای روحانی در آن جملات نیز ناظر بر حق ایران برای بستن تنگه هرمز در استفاده قانونی از همین عبارات قانون مذکور باشـد. مطابق ماده ۵ این قانون عبور شـناورهای خارجی- به اسـتثنای موارد مندرج در ماده ۹- از دریای سـرزمینی ایران مادامی که مخل نظم، آرامش و امنیت کشور نباشد، تابع اصل عبور بی‌ضرر است. در صورت بروز شرایط بحرانی، ایران چه از لحاظ قانونی و چه از لحاظ توان نظامی و فنی براحتی امکان بستن تنگه هرمز را دارد. دماغه جنوبـی تنگه هرمز متعلق به عمان و بخش غربی آن متعلق به کشور امارات است اما فاصله ۲۲ کیلومتـری از جزایر لارک، تنب بزرگ و ابوموسـی که جزو آب‌های سرزمینی ایران است، نقاط عمیق خلیج فارس را تشکیل می‌دهد که محل عبور و مرور نفتکش‌ها و کشتی‌های بزرگ است. عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز فقط از یک آبراه باریک انجام می‌شود، زیرا عبور از سایر مناطق ممکن است با خطرهایی از جنس برخورد با کشـتی‌های غرق شده، برخورد با مین‌های دریایی در شرایط جنگ یا به گل نشستن کشتی همراه باشد.

■ موضع مقتدرانه رئیس‌جمهور و عقب‌نشینی دشمن

وب‌سایت «اویل پرایس» که یکی از معتبرترین مراجـع تعیین و پیش‌بینـی قیمت‌های نفت خام است، سـال ۲۰۱۶ پیش‌بینی کرده بود در صورت وقـوع جنگ بین ایران و عربسـتان قیمت نفت در جهان به بیـش از ۲۵۰ دلار در هر بشـکه خواهد رسید. این نشریه تحلیل می‌کند که در صورت وقوع جنگ بین ایران و عربستان قیمت نفت بلافاصله تا ۲۵۰ دلار رشـد خواهد داشت و ممکن است پس از مدتـی به دلیل اسـتفاده از ذخایر اسـتراتژیک کشورهای دنیا قیمت نفت بالای ۱۰۰ دلار تثبیت شـود اما در صورتی که این جنگ طولانی شـود یا این دو کشـور بنادر و تجهیـزات بارگیری یکدیگر را نیـز نابود کننـد، قیمت نفت تـا ۵۰۰ دلار بالا خواهد رفت. ذخایر اسـتراتژیک کشـورهای عضو همکاری‌های توسـعه اقتصـادی که حـدود ۱/۶ میلیارد بشـکه و ذخایر استراتژیک آمریکا که برابر ۶۶۰ میلیون بشـکه اسـت، برای پوشش ریسک در شـرایط بحرانی احتمالی پیش‌بینی شده است. به هر حـال، اگرچه طی روزهـای اخیر بحث‌های زیادی در فضای مجازی و رسانه‌ها در نقد و بررسی اظهارات اخیر روحانی شکل گرفته است و برخی آن را به تغییر موضع دولـت و چرخش قهرمانانه او از دیپلماسی مذاکره‌جویانه به دیپلماسی امتیازجویانه از دشمن (که می‌تواند با اهرم‌سازی توانمندی‌های ملی، ژئوپلیتیک، نظامی و نقش‌آفرینی در سیاست منطقه‌ای موثر شود) تعبیر کرده‌اند و برخی دیگر آن را اتفاقی برشمرده‌اند و معتقدند این رویکرد و ادبیات در روحانی پایدار نمی‌ماند اما واقعیت آن اسـت که اظهارات رئیس‌جمهور خواسـته یا ناخواسـته ما را بیش از پیش با حقیقت «پا پس کشیدن دشمن در صورت پیشروی ایران» آشنا کرد.

■ سیاسـت‌هایی که می‌تواند قیمت نفت را بالا نگه دارد

حدود ۳۵ درصـد از نفت تولیدی دنیا از طریق حمل‌ونقل‌هـای دریایی و زمینی بین کشـورهای مختلف جابه‌جا می‌شود که از این مقدار ۸۰ درصد آن، از منطقـه‌ای به نام مثلث طلایی عبور می‌کند. مثلث طلایی به منطقه‌ای محصور میان تنگه هرمز، تنگه مـالاکا (در اقیانوس هند) و تنگه باب‌المندب (در حاشـیه جنوب غربی یمن) گفته می‌شود که غیر از ترابری تجاری و انتقال نفت، از اهمیت نظامی بالایی به دلیل تلاقی ۴ قدرت آمریکا، روسیه، ایران و چین برخوردار است. به نظر می‌رسد در شرایط فعلی لازم است ایران برای شکست سیاست‌های تحریمی آمریکا و حتـی برای دور شـدن از خطر احتمالی جنـگ، از همه نعمت‌های خدادادی نظیر موقعیت سوق‌الجیشـی خـود در مثلث طلایـی و ابزارهای سیاسـی و توانمندی‌های نظامی بهـره ببرد، زیرا عقب‌نشینی و بازگو نکردن خطرات احتمالی وقوع جنگ برای دشمن، او را به پیشروی در قلمرو قدرت ایران و به خطر انداختن منافع کشور بیش از پیش حریص می‌کند که به معنای نزدیک شدن ایران به جنگ واقعی نیز خواهد بود، بنابراین به نظر می‌رسد اقدامات زیر می‌تواند آمریکا را از اهداف خوشبینانه ترامپ دور و حقیقت بلوف‌های سیاسـی او را برای جهانیان آشکار کند.

الـف- هزینه‌زایی تحریـم ایران از طریـق بالا نگه داشتن قیمت نفت

اگرچه به نظر نمی‌آید شرایط جدید حاکم بر بازار نفت جهان (نظیر توان افزایش ظرفیت ۱/۴ میلیون بشکه‌ای عربستان و همچنین نفت صخره‌ای (شیل اویل) آمریکا که با پیشـروی قیمت به سمت ۱۰۰ دلار بخش بزرگ‌تری از آن از توجیه‌پذیری اقتصادی برخوردار می‌شـود) شکنندگی لازم را برای افزایش قیمت‌ها به بالای ۱۰۰ دلار داشـته باشـد اما لازم اسـت ایران از هر ابزاری برای حداکثر نگه داشـتن قیمت نفت اسـتفاده کند، زیرا بیشـترین فشاری که هم‌اکنون ترامـپ را برای تحریم ایران در تنگنا قرار داده اسـت، افزایش قیمت نفت جهانی است. دخالت‌های گاه و بی‌گاه ترامـپ در زمان برگزاری اجـلاس ۱۷۴ اوپک و تماس‌های مکرر تلفنی او با بن‌سـلمان و مقامات سعودی حاکی از همین فشار اسـت به طوری کـه وی در تازه‌ترین توئیت خود، اوپک را به دلیل افزایش قیمت بنزین سرزنش و با لحن آمرانه‌ای خطاب به اعضای این سـازمان اعلام کرد: «قیمت‌های جهانـی نفت خام را همین حالا کاهش دهید»؛ توئیتـی که با واکنش تند نماینده ایـران در هیات عامل اوپک نیز مواجه شـد و وی به ترامپ هشـدار داد اگر بـه این رویه پایان ندهد، قیمت‌های جهانی نفت خام بالاتر نیز خواهد رفت. همچنین همزمان با برگزاری نشست اعضای اوپک و غیراوپک در هفته گذشته، به نقل از الحیات، ترامپ در یک تماس تلفنی با بن سلمان بر حفظ ثبات بازار نفت و رشد اقتصاد جهانی تاکید کرده است. از سوی دیگر عربستان نیز تاکید کرد با افزایش تولید نفت سـعی خواهد کرد مانع افزایش قیمت نفت شود و نفت خـود را جایگزین دیگر اعضای اوپک که توان تولید ندارند، خواهد کرد، بنابراین نقطه ضعف آمریکا افزایش قیمت نفت و فرآورده‌های نفتی در شرایط فعلی اسـت که باید از طریق تهدید به بستن تنگه هرمز، رایزنی‌های منطقه‌ای، حفظ سقف تولید اوپک و... به صورت فعالانه پیگیری شود.

ب- بررسی گزینه‌های ناامن کردن تنگه هرمز، اخذ عوارض، بستن تنگه

مطمئنا در صورتی که اسـتفاده از ظرفیت تنگه هرمز مـورد توافق و همـکاری دولـت و نهادهای نظامی کشـور قرار گیرد، می‌تـوان راه‌های زیادی را برای اسـتفاده قانونی از ظرفیت این تنگه به کار برد. البتـه باید در نظر داشـت «کنترل و مدیریت انحصاری بر تنگه هرمز» گزینه‌ای کاملا متفاوت با اقدام تنش‌برانگیز و جنگ‌افروز «بستن کامل تنگه هرمز» است و می‌تواند به عنوان یک ظرفیت، مورد بررسی حقوقی و کارشناسی قرار گیرد. گزینه‌هایی نظیر کنترل تنگه و اخذ عوارض برای حفظ امنیت کشتی‌های عبوری از آن، مطمئنا گزینه‌ای غیر قابل دسترسی نیست و می‌تواند تهدید عملیاتی جدی‌تری را برای آمریکایی‌ها و عربستانی‌ها به نمایش بگذارد. در این صورت مطمئنا مذاکره ایران با کشورهایی نظیر عراق، کویت و قطر نیز به دلیل وابستگی بالای آنها به تنگه هرمز از موضع عزتمندانه‌تر و قدرتمندانه‌تری انجام می‌شود و پشت کردن کشورهایی مثل عراق به ایران در توافقات جهانی نظیر اجلاس اوپک را برای آنها دچار هزینه خواهد کرد.

پ- حضـور مقتدرانه در یمـن و کمک به انصارالله برای کنترل امنیت باب‌المندب

در اختیار گرفتن اختصاصی مدیریت تنگه هرمز وقتی به نتیجه می‌رسد که تنگه باب‌المندب نیز وارد این معادله شود. حضور در باب‌المندب یعنی تغییر رفتار در موضوع جنگ یمن و ایفای نقش فعالانه در ایـن میدان که قطعا آمریکا و همپیمانانش را دچار آشـفتگی و عصبانیت بیشـتری خواهد کرد. اتفاقا حـدود یک ماه قبل از اعلام خروج آمریکا از برجام، یمن و بویژه تنگه باب‌المندب دچار فشـار سنگین نیروهای آمریکایی و عربستانی شد تا بتوانند آنجا را به کلی از اختیار نیروهای انصارالله یمن خارج کنند که این اقدام نشـان از تمایل آمریکایی‌ها به کاهش ریسک منطقه مثلث طلایی و حفظ امنیت عرضه انرژی به جهان دارد. عبدالملک حوثی، رهبر انصارالله روز ۶ خرداد ۹۷ رسما اعلام کرد درگیری در ساحل غربی اسـتان حدیده به تصمیم آمریکا انجام شد و مـزدوران دولت منصـور هـادی (رئیس‌جمهوری مستعفی یمن) تنها سـربازانی هستند که دستور آمریکا را اجرا می‌کنند.

■ ■ ■

گروکشی امنیتی ترامپ از اروپا

برجام روی میز سران ناتو چه می‌کند؟!

مرتضی نصراللهی: نشست سالانه پیمان آتلانتیک شـمالی (ناتو) روزهای ۲۰ و ۲۱ تیرماه با حضور رهبران کشـورهای عضو در بروکسل برگزار شد. «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهـوری ایالات متحده، پس از این سـفر راهی فنلاند شد تا با «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهوری روسیه دیدار و گفت‌وگو کند. یکـی از موضوعاتی که رئیس‌جمهور آمریکا قصد دارد درباره آن با همتایان غربی خود گفت‌وگو کند، «توافق هسته‌ای با ایران» و سرنوشت برجام است. هفته‌نامه «تایم» در این باره نوشت: «ترامپ در جریـان نشسـت اخیر ناتو، فشـار زیـادی به همپیمانان خود در ناتو جهت پیروی از تحریم‌های ثانویه ایالات متحـده آمریکا علیه ایران وارد کرد. یکـی از موضوعات رایزنی‌هـای ترامپ با مقامات اروپایی، رسـاندن واردات نفت ایران به صفر است. اگـر اروپا در این مسـیر از ترامـپ تبعیت نکند، آمریکا علیه شرکت‌هایی که با ایران همکاری کنند، تحریم‌هایی وضع خواهد کرد».

چنانکه از گزارش تایم و دیگر نشـریات غربی برمی‌آید، ترامـپ قصد دارد «پرونـده برجام» را روی میز سـران ناتو قرار دهد. این در حالی است که فشـارهای کاخ سـفید بر شرکای آتلانتیکی خـود بر سـر افزایش بودجه نظامـی اعضای ناتو همچنان ادامه دارد. در شـرایطی که به واسـطه محدودیت‌های گمرکی و تعرفـه‌ای ترامپ علیه شرکای اروپایی خود، اختلاف در ۲ سوی آتلانتیک به نقطه اوج خود رسـیده اسـت، بررسی پرونده «برجام» در نشسـت بروکسل نشانه چیست؟ آیا ترامپ قصد داشـت در این باره معامله‌ای با شـرکای اروپایی خود انجـام دهد؟ آیا اعضای اروپایی ناتو از ادغام و هضم برجام در دل منازعـات درون آتلانتیکـی خود اسـتقبال می‌کنند؟ اخیرا «تـرزا می» نخسـت‌وزیر انگلیـس در اظهاراتی قابل تامل، از سایر کشورهای اروپایی خواست در قبـال اقدامـات گمرکـی و تعرفه‌ای ترامـپ، واکنـش متقابل از خود نشـان نداده و بر سـر «برجام» نیز با آمریکا وارد گفت‌وگو [معامله] شوند. براستی در میان اعضـای پیمان آتلانتیک شـمالی چه می‌گذرد؟ واقعیت امر این اسـت که در آینده نزدیک، برجام به ابزار «گروکشـی امنیتی آمریکا از اروپا» تبدیل خواهد شد. نشانه‌های اولیه این موضوع، در نشست اخیر بروکسـل کاملا مشاهده شد. نباید فراموش کرد اتحادیه اروپایی کماکان در نگاه امنیتی کلان خـود، همچنان خود را وابسـته به ایالات متحده می‌دانـد. افـرادی مانند «ترزا می» نخسـت‌وزیر انگلیس، «امانوئل مکرون» رئیس‌جمهور فرانسـه

و «آنگلا مرکل» صدراعظم آلمان همچنان مشی و جهت‌گیری کلی امنیتی اروپا در نظام بین‌الملل را بر مبنای «وابستگی امنیتی به آمریکا» تنظیم کرده‌انـد. مقامات اروپـا در بهترین حالت ممکن، صرفا وارد فاز «مهار ترامپ» خواهند شد و «تقابل با کاخ سـفید» جایـی در اسـتراتژی‌ها و حتی تاکتیک‌های تعریف شده در حوزه سیاست خارجی اروپا ندارد. در جریان برگزاری نشست اخیر سران گروه ۷ در کانادا، دونالد ترامپ با آنگلا مرکل درباره برجام، تعرفه‌های گمرکی و آلومینیومی و افزایـش بودجه نظامـی اعضای ناتو به گفت‌وگو پرداخـت. اگرچـه نتیجه این مذاکرات، شکست نشست گروه ۷ و حتی عدم تنظیم بیانیه‌ای مشترک در پایان آن بود اما رئیس‌جمهور آمریکا در نشست ناتو نیز همان فرمول را در پیش گرفت! ترامپ و کشـورهای اروپایی، منازعات موجود در نظام بین‌الملـل را نه به صورت تک‌تک و مجزا، بلکه به عنوان یک «بسـته واحد» مورد ارزیابی و مذاکره قـرار خواهند داد. در چنین معادله‌ای، ترامپ از سران اروپایی خواهد خواسـت در ازای کاهـش فشـارهای اقتصادی و امنیتی آمریکا، هرگونه حمایت از برجام و استمرار آن را متوقف کنند. اساسا یکی از اصلی‌ترین دلایل امتناع سران اروپا از ارائه بسته جامع، جزئی و کارآمد پیشـنهادی به ایران، همین رایزنی‌ها و لابی‌های پشت‌پرده و آشـکار بوده اسـت. «مایک پمپئو» وزیر خارجه ایالات متحده از زمان خروج ترامپ از توافق هسته‌ای، به صورت مستمر با وزرای خارجه تروئیکای اروپا در ارتباط بوده و مواضع دقیق دولت آمریکا در قبال برجام را به اطلاع آنها رسانده است. در نهایت اینکه متعاقب «گروکشی امنیتی آمریکا از اروپا» در جریان نشست ناتو، شاهد استمرار «بازی پارادوکسـیکال» اروپا در قبال برجام خواهیم بود. همانگونه که در جریان نشست اخیر ایران و اعضای ۴+۱ در وین مشخص شد تروئیکا قصد دارد پرونده توافق هسته‌ای و مذاکره با تهران همچنان مفتوح باقی بمانـد. نباید فراموش کرد اسـتراتژی اصلی اروپا در قبال ایران و برجام، نگاه داشـتن بیشـتر کشـورمان در توافق هسـته‌ای (بدون بهره‌مندی ایران از هرگونه منفعت اقتصادی) جهت اثرگذاری بیشتر تحریم‌های آمریکا و سپس امتیازدهی بیشتر ایران در مذاکرات اسـت. ارائه بسـته پیشنهادی بی‌خاصیـت و غیرقابل قبول اتحادیـه اروپایی به ایران نیز در همین راستا قابل تحلیل است؛ بسته‌ای ضعیف که منبعث از مناسبات خاص ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپایی است؛ آیا آقای دکتر ظریف به‌عنوان بهترین دیپلمات جهـان [به تعبیر آقای دکتر روحانی(!)] چنین مسأله واضحی را که یک دانشجوی ترم اول روابط بین‌الملل هم آن را درک می‌کند، متوجه نمی‌شود؟! می‌شود!

درنگ

۲ بال برای پرواز – ۱۹

■ فرهاد ملامینی ■

آنچه تاکنون محضر شما خواننده گرانمایه معروض شد، سخنانی بود پیرامون اصل اعتقاد بـه معتقدات اصیل اسـلامی، البتـه نه با هر نگاهی، بلکه با نگاه شیعی که به فراخور مطلب و به‌خاطر جایگاه حقیقی موضوع توحید ابتدا به آن پرداخته شد. در اول سعی شد اصل وجود خداونـد متعال با دلایلی عقلی و اسـتدلالی اثبات شـود که در آن رهگذر به شبهاتی نیز پاسخ داده شـود که شـبهه «ابن کمونه» از آن دسـته بود. سپس سراغ نگاه شیعی درباره توحید رفتیم و تلاش کردیم با اتکا بر روایات اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام پرده از حقیقت توحید البته در حوزه‌ای که برای فهم انسان مقدور و برای شأن جریده میسور است، برداریم و از همین رو بود که به پاسخ شبهاتی مانند تجسیم و تشـبیه و رؤیت پرداختیم و اثبات کردیم تکفیریـان ره به خطا رفته‌اند و این خداوند اسـت که بهتر می‌داند رسـالت خود را در کجا قرار دهد؛ پس خدا را شـاکریم که ما را از متمسـکان به ولایت حضرت علی علیه‌السلام و اولاد معصوم او علیهم‌السلام قرار داد. به هر روی همان‌گونه که عرض شد آنچه بیان شد نه آنی است که کشش مسأله توحید در آیـات و روایات و تمام ابعاد آن در مسـائل کلامی و استدلالی باشد، بلکه عرایض ما نمی اسـت از دریای معارف اسـلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسـلم تا فتح بابی شود برای خواننـده گرامی که به فضل الهی خود در این مسـیر نورانی گام زند، البته نباید این نکته را نیز فراموش کرد که همان‌گونه که عرض شد توحید پایه تمام استدلال‌های بعدی است، لذا بعید نیست برای روشن شدن مباحث بعدی بارها به این موضوع شریف بازگردیم.

اما ممکن اسـت برای مخاطب این سوال پدیـد آید که بعد از این همه سـخن در باب توحید و تفکیک آن و... حاصل توحید و موحد بودن چیست؟ اگر بخواهیم به این سوال پاسخ دهیم باید بگوییم توحیـد در آخرت موجب قبولی سـایر اعمال اسـت، زیرا هیچ عملی از مشرک پذیرفته نیست؛ «در حقیقت کسانی که کافر شـده و در حال کفر مرده‌اند اگر چه [فراخنـای] زمین را پر از طلا کننـد و آن را [بـرای خود] فدیه دهند، هرگـز از هیچ یک از آنـان پذیرفته نگردد، آنان را عذابی دردناک خواهد بود و یاورانی نخواهند داشـت»[1] ولی در دنیا این توحید اسـت که بر نگرش انسان بـه عالم و به تعامل او با تمـام پدیده‌ها و... اثر می‌گذارد یعنی شخصی که پا در جرگه توحید می‌گذارد مشـمول نزول ملائک می‌شود «در حقیقت کسانی که گفتند پروردگار ما خداست سپس ایسـتادگی کردند، فرشـتگان بر آنان فرود می‌آینـد [و می‌گویند] هان بیم مدارید و غمین مباشـید و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید».[2] پس حاصل موحد بودن و البته ایسـتادگی روی این اصل، شادمانی و دور بودن از غم و ترس است، البته باید دانست این شـادمانی امری است که به نسبت شدت نزدیکی و قرب به خداوند و میزان دوستی با او کم یا زیاد می‌شود اما اصل دوستی با خداوند یعنی پذیرفتن نظری توحیـد و ملتزم بودن عملی بـه آن، موجـب دوری از ترس و حزن می‌شود؛ «آگاه باشـید که بر دوستان خدا نه بیمی اسـت و نه آنان اندوهگین می‌شوند»[3] و وقتی این دوسـتی به مراحل عالی می‌رسد فـرد در میان دریای تیغ و شمشـیر و دریای مواج نیل می‌گوید: «گفت چنین نیست، زیرا پروردگارم با من اسـت و بزودی مرا راهنمایی خواهد کرد»[4] یا به مرتبه‌ای از دوسـتی نائل می‌شـود که دست یاری فرشـتگان مقرب را کنـار می‌زند و در دل آتـش آنقدر به رحمت پروردگار امیدوار اسـت که امیـدش آتش را گلسـتان می‌کند، در حالی که حتی به خود اجازه درخواست کردن را نمی‌دهد و خود را به صورت مطلق به او می‌سپارد و فریاد برمی‌آورد که چـه بخواهم در حالی کـه او به حال من داناست. این است حاصل نگاه توحیدی کسانی که در سایه ایمان‌شان به این باور دارند «وسعت آن کـس کـه در دل‌های مؤمنـان آرامش را فرو فرسـتاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند و سپاهیان آسـمان‌ها و زمین از آن خداست و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است»[5] این دیـدگاه آب و آتش و خاک و باد را سـربازان خداوند می‌داند، نه موجوداتی مستقل که برای جهان کارسازی کنند. این بود بخشی از اثرات توحید در نگاه انسان‌ها اگر به حقیقت آن نظر داشـته باشند، هر چند تمام موجودات از کنه آن معذورند.

پی‌نوشت:

۱- سوره آل عمران آیه ۹۱
۲- سوره فصلت آیه ۳۰
۳- سوره یونس آیه ۶۲
۴- سوره شعراء آیه ۶۲
۵- سوره فتح آیه ۴